

سنت و مدرنیسم در موسیقی ایران

گفت‌وگو با
موسیقی‌دانان معاصر

به کوشش
سید مجید میر منتهایی

سنت و مدرنیسم در موسیقی ایران
(گفت‌وگو با موسیقی‌دانان معاصر)
به کوشش سید مجید میر منتهایی
انتشارات فرزانه

اخیر انجام داده است هنوز هم پرسش‌هایی در مقابل موسیقی‌دانان ایرانی مطرح است. طرح پرسش‌های مطرح شده در کتاب، می‌تواند گامی آغازین برای شناخت مسائل موسیقی

ایرانی در دوران معاصر باشد. مجموعه‌ی حاضر نیز در تلاش برای شناسایی این مسائل است و قصد آن دارد که نشان دهد با تمامی کوشش‌های صورت گرفته هنوز هم این پرسش‌ها در شکل‌هایی جدید در جامعه موسیقی ایرانی مطرح‌اند.

دیدگاه‌ها، نظریه‌ها، پاسخ‌ها و خاطرات ارائه شده در این اثر به لحاظ تاریخی قابل توجه است و نقاط تاریکی از بخشی از موسیقی ایران را در قیل و بعد از انقلاب مشخص می‌کند. کتاب حاضر تحت این عنوان ارائه شده است:

سنت و تجدد در موسیقی ایرانی (میزگرد: فرهاد فخرالدینی، کامییز روشن‌روان، حسین علیزاده)

- آواز قدیم و جدید در موسیقی ایران (میزگرد: داریوش طلایی، جهانگیر مهرپروران، مجید کیانی)

- پارادوکس سنت و تجدد در موسیقی ایرانی (گفت‌وگو با محمدرضا لطفی)

- هنر با گوهر هنرمند ارتباط دارد (گفت‌وگو با محمدرضا شجریان)

- باید پرواز کردن را یاد گرفت (گفت‌وگو با حسین علیزاده)

- نخستین سنت گذار، نخستین نوآور (گفت‌وگو با پرویز مشکاتیان)

- ضرورت تدوین تئوری جامع موسیقی ایرانی (گفت‌وگو با داریوش طلایی)

- موسیقی وسیله‌ی ارتباط و بیان اندیشه‌ها (گفت‌وگو با مجید کیانی)

- هویت موسیقی ایرانی (گفت‌وگو با ژان دورینگه موسیقی‌شناس فرانسوی)

- صورت برداری از گذشته، گامی در تمدن سازی (گفت‌وگو با فرهنگ راجایی)

- نظری در باب موسیقی و غنا در اسلام (گفت‌وگو با محمد ابراهیم جناتی)

- بداهه‌نوازی رکن موسیقی ما است (گفت‌وگو با اصغر بهاری)

- سرشت خاوری و باختری در ابوالحسن صبا

آن نوع موسیقی که ایرانیان متعلق به خود می‌دانند ادبیاتش کدام است و موسیقی‌دانان برای شناخت معیارهای زیبایی‌شناختی و درک جهان معنوی آن به چه مأخذی باید رجوع کنند. موسیقی‌ای که

متعلق به فرهنگ و تمدن کهن ایرانی است قطعاً ثمره دوره‌ای خاص نبوده، بلکه بازتاب تاریخ پرتلاش و پرافت و خیز پیشینیان ما بوده است که از صافی و صیقل زمان گذشته و به حافظه‌ی جمعی ما بدل شده است.

آنچه از احوال تاریخ برمی‌آید، پس از یک دوره‌ی فترت و رخوت در موسیقی ایران که مقارن دوران صفویه است، در دوره‌ی زنده موسیقی جانی تازه می‌گیرد و از اوایل دوره قاجار به ویژه دوران محمدشاه و ناصرالدین شاه موسیقی ایرانی با نظمی تازه پا به میدان می‌گذارد.

این سؤال مطرح می‌شود که موسیقی ایرانی به عنوان یکی از پرقدمت‌ترین هنرهای این مرز و بوم، از عهد فتحعلی شاه و مشروطیت به بعد چه نقشی را در جامعه‌ی ایرانی ایفا کرده است و چه تحولاتی را پشت سر گذاشته است. آیا بازگشت به خود در دوران انفجار اطلاعات امکان دارد؟ کتاب حاضر با بررسی موسیقی ایرانی و بحث سنت و تجدد این پرسش را مطرح می‌کند که برداشت ما از سنت و تجدد در موسیقی ایرانی چیست و آیا جایگاه این مقوله برای اصحاب موسیقی ما مشخص شده است؟

به هر حال موسیقی ایرانی نیز از تقابل سنت و مدرنیسم به عنوان یکی از مسائل جامعه‌ی در حال گذار ایران، به دور نبود و در واقع با هنگامه‌ی جنبش مشروطیت، نخستین آواها و آهنگ‌های تغییر و تحول در این عنصر هنری شنیده شد. گروهی از موسیقی‌دانان با انجام تغییراتی در نحوه‌ی اجرا، ارائه، سازها و ملودی‌های موسیقی ایرانی حرکتی را آغاز کردند که واکنش‌های مثبت و منفی را در تاریخ معاصر موسیقی ایرانی پدید آورد. همین امر به وجود دو نگرش منجر شد، نگرشی که این تغییرات را گام نهادن در مسیر ترقی و پیشرفت موسیقی ایرانی و همگامی با تحولات مدرنیته در جهان تلقی کردند و گروهی نیز آن را عدول از اصول شناخته شده‌ی موسیقی ایران زمین دانستند که بعد از مشروطیت نیز با فراز و فرودهایی تلاوم یافته است.

به هر حال با تمام تلاش‌هایی که اهل موسیقی در دهه‌ی